

بِسْمِ تَعَالَى

## شمعی در بوران



حسام الدین ایپکچی

Hesam.ipakchi@gmail.com

وَ نَاطِرٌ قَلْبِ اللَّيْبِ بِهِ يُبْصِرُ أَمَدَهُ، وَ يَعْرِفُ غَوْرَهُ وَ نَجْدَهُ... قَدْ خَاضُوا بِحَارَ الْفِتَنِ، وَ أَخَذُوا بِالْبِدَعِ دُونَ السُّنَنِ، وَ أَرَزَّ الْمُؤْمِنُونَ، وَ نَطَقَ الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ [۱]. قلب مرد خردمند را دیده ای است که با آن عاقبت کارش را می بیند، و پستی و بلندی آن را می شناسد... گروهی به دریای فتنه فرو رفتند، سنتها را رها کردند و به بدعتها چنگ زدند، اهل ایمان کناره گرفته و خاموش گشتند، و گمراهان تکذیب کننده گویا شدند.

\*\*\*

در باب وقایع ششم دی ماه ۸۸ مقارن با روز عاشورا، «مرا حرفی است اندر دل، اگر گویم زبان سوزد - و گر پنهان کنم ترسم که مغز استخوان سوزد.»

در وبلاگ نوشتن، کار بسیار مشکلی است از آن جهت که مخاطب مشخص نیست. نمدانی دوست می خواند، یا دشمن. پیر میخواند یا جوان، استاد میخواند یا همکلاسی یا شاگرد. باخبر می خواند یا بی خبر و الحق نمیتوان سخنی نوشت که همه را خطاب قرار دهد و از دیگر سو ننوشتن هم چاره نیست، آنچنان که از قرآن هم خدعه ها استنباط کردند و دیگر چه رسد به بیان نارس العقلی چو من. لذا پنج اشاره عرض میکنم به قصد ادای تکلیف. این اشارات از آن جهت که باید مشخص کننده مرزها باشد، صریح و بی لافافه است که انشاءالله اهل حق، تیزی اش را به حسام الدینی نگارنده ببخشند و نقایصش را به عقل

قلیلش... هر چند امثال من، که سخنانشان به کام هیچکدام از طرفین دعوا نیست، آماج طعن و ترکه از هر دو سوی اختلافند.

### اشاره اول – عاشورا روز ادای دین به حسین است

حسین بن علی علیه السلام، مصداق اتم «حق» و قله رفیع «عبودیت» است. قله ای که بر فراز آن هیچ پرچمی به اهتزاز در نیامده است الا نام او. نبرد کربلا، بر سر منفعت شخص نبود، بر سر غلبه جناح نبود، بر سر رسیدن به قدرت و تاراج بیت المال نبود، بلکه ماورای تمام این صورتهای، مصاف عالی ترین مرتبه «حق» در برابر نازل ترین مرتبه «باطل» بود.

امام حسین، استادی است که بشر در مکتب او آموخت در برابر باطل، نباید سر فرو آورد، حتی اگر سرت را بر فراز نی کنند، باید بر سرافراز بود. لذا به حکم غیرت و شرف، عاشورا روز ادای دین است. آنکه ادب این روز را حفظ نکند، به هیچ آداب دیگری نیز نمی تواند مودب باشد. ادای دین یعنی رعایت مناسک عزا در ظاهر و اقامه حق در برابر باطل به باطن. هیچکدام از این دو، بدون دیگری افاقه نمی کند. نه عزاداری زیر بیرق ظالم، نه اقامه حق در رقص و پایکوبی.

ما هیچ انس و وحدتی با جماعتی که در ظاهر و یا باطن، هتک عاشورا کنند نداریم. هتاک حسین، دوست نیست، حتی اگر در لباس دوست باشد چون در کارزار، به سوی دنیای خود می رود. محب حسین هم دشمن نیست، حتی اگر راه را بر کاروان حسین ببندد، میدانیم که در روز واقعه، حر خواهد شد.

### اشاره دوم – اعتراض های خیابانی

اخص دوستان می دانند؛ که بنده از آغاز با خیابانی کردن مطالبات، موافق نبودم آنچنان که در اولین روزهای پس از انتخابات هم [اشاره کردم](#). حال اعم عزیزان هم بدانند، بردن مطالبه به خیابان نشانه کوچک دیدن مساله است. ثمره ای هم جز غلبه هزینه بر سود، سردرگمی در خواسته، خلط دوست با دشمن و... ندارد.

اعتراض خیابانی عاشورا هم از همین قاعده مستثنی نیست. هر چند [صدا و سیما](#)، شاهد ذی نفعی است که شهادتش باطل است. اگر هم در مقام شاهد نباشد، در مقام مدعی است که آنچه می گوید، ادعاست و نه «بینه». رسانه ای از جنس BBC و VOA و... که در کتمان حق ابا ندارد. صدا و سیمای ما، از خیل همان

جماعتی است که در پاره شدن عکس حضرت امام، وامصیبتایشان فلک را کر کرد و در حرمت شکنی خانه امام، زبانشان به کام چسبیده بود. در میانه ی شهر اگر کسی را بکشند، کار دشمن بیگانه است، اما اگر عکس امام هتک شود، فقط کار یاران رقیب است! گویی «بصیرت» در قاموس ایشان یعنی «به شرط منفعت» دیدن!

این روزها هم آنچه در تمام شبکه های سیما به صورت شبانه روی پخش می شود، یقیناً همان گوشه ای از ماجراست، که قصد ارتزاق از آن وجود دارد. سخت است باور کنیم، که درد درد حسین علیه السلام است، آنچنان که دیدم، ضجه و اسفاه از حرمت شکنی امام نبود. لذا بنده در امور سیاسی، استناد به صدا و سیما را طریقه عقل و عدل نمیدانم.

اما اگر آنچه که این رسانه نمایش میدهد، تنها گوشه ای از ماجرا باشد؛ این گوشه به قدری مشمئز کننده و حقیر است که برائت جستن از آن واجب می شود و برئت الی الله. سنگ اندازی به عزاداری مردم، تخریب خانه و خیابان، آتش کشیدن اموال و... در نزد کدام خردمندی موجه است؟ چه تفاوت میکند این فجایع توسط معترضین انجام شده باشد، یا عده ای در پناه این اعتراضها دست به شرارت بزنند؟ به مباشرت باشد یا به معاونت، خطا مسلم است.

**اگر بنا بود هدف، وسیله را توجیه کند و قلدرمآبی و چماق کشی و تجاوز به حقوق عمومی و حریم خصوصی و جان و مال مردم مباح شود؛ پس اختلاف با تفکر حاکم، بر سر چیست!؟**

### **اشاره سوم - ما نه با شما بییم و نه با آنها**

حکایتی لطیف است که پس از این ماجرا، هجمه ای به راه افتاده است که شما یا با هتاکان به حسین بن علی هستید، یا با ما. آنچنان که بوش پس از ۱۱ سپتامبر میگفت، شما یا با تروریستها هستید یا با امریکا. به قول مقام رهبری در همان ماجرا، ما نه با آنها هستیم و نه با شما. بنده و امثال بنده با دو جریان هیچ وحدتی نداریم:

**نخست:** گروهی که دین را از حضور در اجتماع ناتوان می بینند. از ختم نبوت به ختم دیانت می رسند و از غیبت کبری به حذف مکتب. تفاوت ما با ایشان در آن است که آنها ریشه تمام بلاها را در دین می دانند و ما ریشه تمام ابتلاها را در عمل نکردن به اسلام.

**دوم:** گروهی دیگر، به الحق لمن غلب رسیده اند. در لفظ خبر از گزاره امام محمد غزالی نیست اما در عمل همان است. اگرچه با این گروه در لزوم تمسک به دین، هم عقیده ایم. اما ایشان اصرار دارند که بگویند، هرچه حاکم میکند، دین است. ما مادون معصوم را حائز این وصف نمیدانیم. حاکم اگر به دین عمل کند، حاکم است و شاخص «دین»، حاکم نیست. بلکه حدی از آن به فهم اجمالی عامه مسلمین محرز می گردد و فهمی از آن به رای اسلام شناس.

### اشاره چهارم - نه شما حسینید، نه آنها یزید

این رسم همواره مشترعین بی انصاف است که خود را ظهور رسول الله و علی بن ابی طالب و حسین بن علی میدانند و مخالف خود را ظهور معاویه و یزید و عمرو عاص. و خدا میدانند این توهم خود علی بینی و خود حسین بینی از کجا نازل شده و این سند الی الابد را چه کسی به نام ایشان زده که حسین شماید و مادون شما یزید! آنچنان از زبان خدا و اهل بیت با خلق صحبت میکنند که گویی شب را با جبرائیل به صبح می رسانند.

حسین، مظهر حُسن مطلق است و یزید تندیس شر مطلق. نه شما حسینید و نه مخالف شما یزید. بلکه برخی رفتارها یزیدی است، مانند دروغ، فساد، جهل، تعصب و یا دین را نردبان مطامع دنیا کردن. که این رفتارها هم در میان شما دیده می شود و هم مخالفین شما.

در مقابل برخی رفتارها، حسینی است. مانند صدق، غلبه حقیقت بر مصلحت، تعظیم مظلوم و تحقیر ظالم، که این نیز هم در میان شما دیده می شود و هم مخالفین شما.

شاخص به جای اشخاص، یعنی از رفتارهای یزیدی تبری جستن و به رفتارهای حسینی تمسک کردن. خواه در میان دوست، خواه در میان دشمن. ائمه معصومین علیهم السلام، فسق یاران خود را موجه نمی دانستند آنچنان که حسن دشمنان خود را نیز نادیده نمی انگاشتند و این همان مقامی است که متعصب از آن محروم است.

### اشاره پنجم - فهم صحیح از دشمن بیگانه

در فهم دشمن بیگانه، دو نگاه افراطی و تفریطی وجود دارد. نگاه افراط گر، همان منطق کیهانی است، که چون آمریکا و اسرائیل با ما مخالفند، پس هر مخالفی آمریکایی و اسرائیلی است. نگاه تفریطی هم ساده لوحانه می پندارند، BBC و VOA و اربابانشان، از سر بشردوستی، پای در میدان نهاده اند.

هر مخالفی، آمریکایی و اسرائیلی نیست اما دشمن خارجی، در هر مخالفی طمع دارد. واقعیت این است که برنده لشکرکشی های خیابانی، لشکر سومی است که بیرون این مرزها در کمین نشسته است. لذا هیچ جریانی در برابر غفلت از این حقیقت، معذور و معاف نیست. جالب آن است که گروهی در درون حاکمیت، دانسته یا ندانسته بر همین لشکرکشی ها دامن می زنند. آنچنان که بعد از هر اعتراض خیابانی، فراخوان تجمع خیابانی می دهند و این خود رجزی است برای تکرار دوباره اعتراضهای خیابانی.

اختلاف نظر فتنه نیست اما موج به راه افتاده از جانب طرفین در رجز خوانی و توهین و هتاکی به یکدیگر، فتنه است. ای کاش عقلای نظام و عقلای معترضین، اسبابی اندیشند که خیابان، عرصه مصاف نباشد. بنده نمیگویم از ظلم و بی انصافی باید گذشت. نمیگویم قانون امری منتزع از قاضی و مجری است بلکه بالعکس میگویم آنگاه که قاضی و مجری منصف نباشند، تمسک به قانون، آویختن به طنابی است که سر و ته آن به هیچ کجا بند نیست. عرض آن است که، روشنگری محتاج خیابان نیست.

ناگفتنی ها، همچنان ناگفته ماند اما ختم عرض، همان سخن اول است. آنچنان که سابق نیز عرض شده است. جوامع انسانی، ظهور قلب آدمیان حاضر در جامعه اند. سیاهی آسمان امروز، ریشه در تهی بودن خلوتها و غفلت قلبها دارد. ظلم از سیاستمدار غیرمهدب سرمیزند و مشایعت ظالم از خلق کور قلب.

[۱] - خطبه ۱۵۴ نهج البلاغه در ترجمه سید جعفر شهیدی و خطبه ۱۵۳ در ترجمه حسین انصاری